

# اقتصاد کلان کشور

## ضرورت اصلاح در همه زمینه‌ها

تهیه شده در گروه مطالعات اقتصادی مجله

در دو دهه اخیر اقدامات و تلاش‌هایی در اقتصاد صورت گرفته که منجر به تحولات در ساختار اقتصاد شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد کشور با مسایل و مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کند که می‌تواند مانع از دستیابی جامعه به هدف‌های آرمانی خود شود، لذا برای دستیابی به این هدف‌ها، سیاست‌گذاران در سطح کلان در صدد ارایه طرح و برنامه‌ای مشخص هستند تا بتوانند این مسائل موجود و پیش‌رو را کاهش دهند و یا برطرف کنند.

برای اینکه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اقتصادی بتوانند برنامه‌ها و سیاست‌ها را متناسب با امکانات و ظرفیت‌ها تدوین کنند نیازمند شناخت از وضعیت موجود هستند. به عبارت دیگر، شناسایی جایگاه هر یک از بازارهای اقتصادی و ارتباط آن با سایر بازارها نقش موثری در تدوین برنامه‌ها و تصمیمات خواهد داشت. در شرایطی که لایحه برنامه پنجم توسعه از طرف دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است، این تحلیل می‌تواند بخشی از زوایای وضعیت موجود اقتصاد کشور را نمایان کند. طبیعی است شناخت دقیق‌تر وضعیت به تبیین نقاط قوت و ضعف‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها کمک ارزنده‌ای خواهد کرد. ضمن اینکه پیگیری تحقق سیاست‌ها و راهبردهای اتخاذ شده در برنامه، نیازمند وجود شاخص‌های مرتبط و داده‌های آماری این شاخص‌هاست. به علاوه، روند تغییر این شاخص‌ها در دوره‌های گذشته نقشی حیاتی در ترسیم دورنمای برنامه توسعه دارد. مهمترین بخش‌های بررسی شده در این گزارش، تولید و سرمایه‌گذاری، مصرف، بازار پول، ارز و بودجه دولت هستند.

در این مطالعه سعی شده با توجه به عملکرد متغیرهای اقتصاد کلان کشور در سال‌های گذشته و با توجه به تصویر بودجه سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ و با

کمک روش‌های اقتصادسنجی، تحلیلی از وضعیت موجود و تصویری از وضعیت اقتصاد کلان در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ ارائه شود.

### رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری

هدف قانون برنامه چهارم توسعه برای رشد اقتصادی و رشد سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۸۴ (اولین سال برنامه چهارم توسعه) به ترتیب ۷٪ و ۱۱/۲ درصد، سال ۱۳۸۵ (دومین سال برنامه چهارم توسعه) به ترتیب ۷/۴٪ و ۱۱ درصد، در سال ۱۳۸۶ (سومین سال برنامه چهارم توسعه) به ترتیب ۷/۸٪ و ۱۱/۷٪ و در سال ۱۳۸۷ (چهارمین سال برنامه چهارم توسعه) به ترتیب ۸/۴٪ و ۱۲/۸ درصد بود. قرار بر این بود که این دو رقم در سال ۱۳۸۸ (سال پایانی برنامه چهارم توسعه) به ترتیب به ۹/۳٪ و ۱۴/۲ درصد برسد. اما به نظر می‌رسد مشکلات موجود برای رشد اقتصادی و انجام سرمایه‌گذاری از جمله تأثیرپذیری شدید از تحولات خارج از کنترل برنامه به دلیل ساختار اقتصاد سنتی - تجاری و متکی به منابع طبیعی و درونگرا، عدم اصلاح ساختار بخش حقیقی اقتصاد، پایین بودن نرخ بازدهی فعالیت‌های اقتصادی، هزینه‌های بالای تأمین مالی به دلیل عدم دسترسی به بازارهای مالی بین‌المللی و بد عمل کردن بازارهای

در پایدارترین  
اقتصادها و  
کشورهای توسعه  
یافته احتمال تحقق  
درآمدها حداکثر ۹۰  
درصد تخمین زده  
می‌شود

مالی داخلی، نامناسب بودن محیط کسب و کار به دلایل بالا بودن هزینه‌های مبادله، تصدیهای بالای بخش عمومی، فقدان ثبات و شفافیت در مقررات و سیاست‌ها، ساختار انعطاف‌ناپذیر بازارها، تحولات ویژه سیاسی در منطقه و فشار جامعه بین‌الملل در خصوص پرونده هسته‌ای و ادامه مناقشات سیاسی در خاورمیانه، تغییر سیاست‌های اقتصادی دولت و شیوه‌های اجرایی، باعث شده تا دستیابی به این میزان رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مشکل شود. بر اساس آخرین آمار منتشر شده از سوی بانک مرکزی در سال ۱۳۸۴ رشد اقتصادی به ۶/۹ درصد و رشد سرمایه‌گذاری به ۸/۷ درصد، در سال ۱۳۸۵ رشد اقتصادی به ۶/۶ درصد و رشد سرمایه‌گذاری به ۶/۷ درصد و در سال ۱۳۸۶ رشد اقتصادی به ۶/۷ درصد و رشد سرمایه‌گذاری به ۶/۶ درصد رسید. این ارقام نشان دهنده عدم تحقق هدف‌های رشد و سرمایه‌گذاری برنامه، در سال‌های مذکور است. همچنین با توجه به بحران مالی جهانی که در نیمه دوم سال ۱۳۸۷ به وقوع پیوست، برآوردهای اولیه حاکی از آن است که در سال ۱۳۸۷ رشد اقتصادی در حدود ۲/۲ درصد و رشد سرمایه‌گذاری در حدود ۵/۹ درصد است، همچنین پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۳۸۸ (با توجه به کاهش شدید درآمدهای ارزی و ادامه بحران مالی جهانی و تعمیق بحران و بروز برخی شوک‌های منفی بخش عرضه و تقاضای اقتصاد) رشد اقتصادی در حدود ۳/۵ درصد و رشد سرمایه‌گذاری در حدود ۴/۲ درصد باشد و برای سال ۱۳۸۹ رشد اقتصادی در حدود ۳/۹ درصد و رشد سرمایه‌گذاری در حدود ۴/۸ درصد باشد (لازم به ذکر است اثرات طرح هدفمند سازی یارانه‌ها در سال ۱۳۸۹ در هیچ‌کدام از پیش‌بینی‌ها لحاظ نشده است).

بدون تردید دستیابی به هدف‌ها سند چشم‌انداز و قانون برنامه چهارم توسعه و سیاست‌های ابلاغی

میلیارد ریال بودجه عمومی کشور بود. از ۶۳۹۴۵۱/۶ میلیارد ریال، ۶۲/۵ درصد را اعتبارات هزینه‌ای (جاری)، ۲۸/۸ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی)، ۷/۷ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های مالی تشکیل می‌دادند. در این بین ارقام شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفته شده است.

بودجه مصوب کل کشور در لایحه بودجه سال ۱۳۸۷ معادل ۲۷۹۲۲۶۱ میلیارد ریال برآورد شد که از این رقم ۲۰۶۸۸۰۳ میلیارد ریال بودجه شرکت‌های دولتی و ۷۲۰۳۴۱ میلیارد ریال بودجه عمومی کشور بود. از ۷۲۰۳۴۱ میلیارد ریال، ۶۰ درصد را اعتبارات هزینه‌ای (جاری)، ۳۵ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی)، ۵ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های مالی تشکیل می‌دادند. در این بین، ارقام شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفته نشده است. با نگاهی به ارقام بودجه می‌توان دریافت که ۲۶ درصد از بودجه کل تعلق به بودجه عمومی دولت و ۷۴ درصد آن به بودجه شرکت‌های دولتی دارد. بودجه مصوب کل کشور در لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ معادل ۲۸۲۶۹۶۲ میلیارد ریال برآورد شده است که از این رقم ۲۰۲۴۸۴۲ میلیارد ریال بودجه شرکت‌های دولتی و ۸۹۳۴۱۱ میلیارد ریال بودجه عمومی کشور است. از ۸۹۳۴۱۱ میلیارد ریال، ۶۵ درصد را اعتبارات هزینه‌ای (جاری)، ۲۹ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی)، ۵ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های مالی

۳۱/۵ درصد را واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای، ۲۷/۷ درصد را واگذاری دارایی‌های مالی، ۱۰/۲ درصد را سایر درآمدها تشکیل می‌دهند. با در نظر گرفتن منابع حاصل از حساب ذخیره ارزی و لحاظ ارقام مربوط به شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی، پر واضح است که منابع بودجه دولت از ارقام مصوب فراتر رود، که با توجه به پیش‌بینی عدم تحقق منابع پیش‌بینی شده در واگذاری دارایی‌های مالی ناگزیر از منابع واگذاری‌های دارایی‌های سرمایه‌ای به‌خصوص نفت و حساب ذخیره ارزی استفاده می‌شود که این موضوع به افزایش نقدینگی و فشار تورمی در ماه‌های پایانی سال انجامید (نرخ رشد نقدینگی در پایان سال ۱۳۸۵ به ۳۹/۴ درصد رسید).

در طرف مصارف از ۵۷۵۱۲۷ میلیارد ریال، ۷۰ درصد را اعتبارات هزینه‌ای (جاری)، ۲۷/۴ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) و ۲/۶ درصد را اعتبارات تملک دارایی‌های مالی تشکیل می‌دادند. در این بین، ارقام شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفته نشده است. با توجه به منابع و مصارف عمومی دولت، کسری تراز عملیاتی دولت از ۲۱ درصد، در ۱۳۸۴ و بر اساس عملکرد سال ۱۳۸۵ به بیش از ۲۵ درصد افزایش یافت که این افزایش در جهت خلاف هدف‌ها کمی برنامه چهارم توسعه است. بودجه کل کشور در سال ۱۳۸۶ معادل ۲۳۶۸۸۹۳ میلیارد ریال برآورد شد که از این رقم ۱۶۷۷۰۶۵ میلیارد ریال بودجه شرکت‌های دولتی و ۶۳۹۴۵۱/۶

معموم رهبری مبنی بر دستیابی به رشد اقتصادی سریع، مستمر و پایدار و همچنین تامین عدالت، عنوان اصلی‌ترین اولویت دولت و ایجاد شرایط فضای مناسب برای امنیت سرمایه و گسترش سرمایه‌گذاری مستلزم اصلاحات جدی در فضای کسب و کار، نظام آموزشی، خلاقیت و نوآوری زیر ساخت‌های اقتصادی است. سیاست‌های اقتصادی باید با توجه به سیاست‌هایی نظیر توجه رشد درونزا و مستمر، افزایش بهره‌وری عوامل تولید، رقابت‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی از طریق بهبود فضای کسب و کار، تعامل فعال با اقتصاد جهانی و کاهش قلمرو فعالیت‌ها و دخالت‌های دولت، استفاده بهینه از منابع و سرمایه انسانی از طریق ایجاد فرصت برای رشد بخش‌های مهارت‌گرا، توجه به دانش و نوآوری به عنوان محرک رشد بیدار اقتصادی، برقراری انضباط مالی و بودجه‌ای و بهبود عملکرد حساب ذخیره ارزی باشد و همچنین توجه ادامه بحران در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ مدیریت بهینه دخاثر ارزی کشور نیز باید یکی از اولویت‌های مهم سیاستی دولت در سال آینده باشد. برای سال ۱۳۸۹ اعداد برنامه پنجم بصورت متوسط برنامه در نظر گرفته شده است

**بودجه دولت**

بودجه از محل منابع عمومی بدون در نظر گرفتن شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی در ۱۳۸۵ معادل ۵۷۵۱۲۷ میلیارد ریال بوده است. در طرف منابع از مبلغ یاد شده ۳۰/۶ درصد را درآمدهای مالیاتی،

**بررسی منتخب شاخص‌های کلان اقتصادی (بخش تقاضای اقتصاد)**

نرخ رشد مصرف دولتی - به قیمت ثابت ۱۳۷۶		نرخ رشد مصرف خصوصی - به قیمت ثابت ۱۳۷۶		نرخ رشد کل سرمایه‌گذاری - به قیمت ثابت ۱۳۷۶		نرخ رشد تولید ناخالص داخلی - به قیمت ثابت		
عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	
۷/۴	۱/۲	۱۲/۱	۳/۷	۹/۲	۷/۹	۶/۴	۶/۸	۱۳۸۳
۶	-	۱۰	-	۸/۷	۱۱/۲	۶/۹	۷/۰	۱۳۸۴
۵/۸	-	۶/۱	-	۳	۱۱/۰	۶/۶	۷/۴	۱۳۸۵
-۸/۵	-	۶/۸	-	۶/۶	۷/۱۱	۶/۷	۸/۷	۱۳۸۶
۵/۹	-	۲/۳	-	۵/۹	۸/۲۱	۲/۲	۸/۴	۱۳۸۷ (برآورد)
۳/۹	-	۲/۶	-	۴/۲	۱۴/۲	۲/۵	۹/۳	۱۳۸۸ (پیش‌بینی)
۴/۵	-	۴	-	۲/۸	۱۱	۳/۹	۸	۱۳۸۹ (پیش‌بینی)

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - قانون برنامه سوم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

تشکیل می‌دهند. در این بین ارقام شفاف‌سازی قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفته نشده است. با نگاهی به ارقام بودجه می‌توان دریافت که ۳۱ درصد از بودجه کل به بودجه عمومی دولت و ۶۹ درصد آن به بودجه شرکت‌های دولتی تعلق دارد (که نشانگر چگونگی تصدی‌گر دولت در جامعه و اقتصاد است). همچنین بررسی دقیق‌تر بودجه، در خصوص تأمین منابع مالی بودجه حاکی از برآورد غیر واقعی درآمدهای مالیاتی در سال آینده است، چرا که این مبلغ خود نیز بسیار به نفت وابستگی دارد، آن هم به لحاظ درج مالیات عملکرد نفت، عوارض گمرکی از واردات کالا که از رهگذر فروش نفت حاصل شده است و... این واقعیت بیان‌گر وابستگی و اتکاء زیاد هزینه‌ها به درآمدهای حاصل از فروش نفت را بیان‌گر است.

در لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ در مقابل ۵۲۷۰۰۹ میلیارد ریال درآمد عمومی، مبلغ ۵۸۲۷۶۴ میلیارد ریال هزینه عمومی و در نتیجه (۵۵۷۵۵) میلیارد ریال کسری عملیاتی وجود دارد. واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای هم به مبلغ ۱۶۰۳۷۷ میلیارد ریال برآورد شده که پس از کسر مبلغ ۲۶۵۸۱۵ میلیارد ریال از آن با عنوان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، کسری بودجه‌ای معادل ۱۰۵۴۳۸ میلیارد ریال را نشان می‌دهد. منابع تأمین این کسری از محل خالص واگذاری دارایی‌های مالی پوشش داده خواهد شد. بر این اساس، جمع کسری بودجه دولت در سال ۱۳۸۸ معادل ۱۶۱۱۹۱ میلیارد ریال برآورد می‌شود.

### یکی از اصول بودجه‌ریزی، قطعی بودن هزینه‌ها و محتمل‌الوقوع بودن درآمدها است

در لایحه بودجه سال ۱۳۸۹ در مقابل ۶۷۶۰۴۹ میلیارد ریال درآمد عمومی، مبلغ ۷۲۹۱۴۰ میلیارد ریال هزینه عمومی و در نتیجه ۵۳۰۹۱ میلیارد ریال کسری عملیاتی وجود دارد. واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای هم به مبلغ ۲۷۵۸۶۶ میلیارد ریال برآورد شده که پس از کسر مبلغ ۳۸۲۸۷۳ میلیارد ریال از آن، به عنوان تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، کسری بودجه‌ای معادل ۱۰۷۰۰۷ میلیارد ریال را نشان می‌دهد. تأمین این کسری از محل خالص واگذاری دارایی‌های مالی پوشش داده خواهد شد. بر این اساس، جمع کسری بودجه دولت در سال ۱۳۸۹ معادل ۱۶۰۰۹۸ میلیارد ریال برآورد می‌شود. در این میان نکته مهم این است که یکی از اصول بودجه‌ریزی، قطعی بودن هزینه‌ها و محتمل‌الوقوع

بودن درآمدها است. یعنی اینکه همواره مصارف پیش‌بینی شده دولت در بودجه عمومی که شامل هزینه‌های عمرانی و هزینه‌های جاری است به طور قطع رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، دولت خود را قانوناً متعهد و پاسخگو در قبال هزینه‌های پیش‌بینی شده می‌داند و مراکز هزینه و مردم انتظار دارند بودجه عمومی دولت که در سال ۸۸ بیش از ۸۹ هزار میلیارد تومان و در سال ۱۳۸۹ بیش از ۱۱۹ هزار میلیارد تومان تعریف شده است در بخش جاری و عمرانی صرف شود. اگر چه "استراتژی جایجایی" بخش عمده‌ای از بودجه عمرانی برای جبران کسری بودجه جاری تحت عنوان اصلاحیه‌های بودجه یک استراتژی شناخته شده است، ولی تجربه نشان می‌دهد که همواره تا پایان سال بودجه‌ای نه تنها هزینه‌های پیش‌بینی شده در لایحه تحقق می‌یابد، بلکه بین پنج تا ده هزار میلیارد تومان امکان تصویب متمم‌های بودجه وجود دارد و این رقم به مبلغ پیشنهادی در بودجه عمومی لایحه افزوده می‌شود (برای مثال، رقم اصلاحیه بودجه در سال ۱۳۸۷ حدود ۶۰۰۰ میلیارد تومان بود). بنابراین واقع‌بینانه است که مجموع مصارف دولت در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، فراتر از ارقام مصوب تخمین زده شود.

منابع بودجه معمولاً از نوع پیش‌بینی هستند. در پایدارترین اقتصادها و کشورهای توسعه یافته احتمال تحقق درآمدها حداکثر ۹۰ درصد تخمین زده می‌شود. یعنی اگر کشوری منابع درآمدی

### بررسی منتخب شاخص‌های کلان اقتصادی (بخش بودجه دولت)

نرخ رشد هزینه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای	هزینه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای - میلیارد ریال		نرخ رشد هزینه‌های جاری		هزینه‌های جاری - میلیارد ریال		عملکرد	هدف برنامه
	عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه		
۱۰/۱	۶۳۳۰/۱	۶۷۱۳۳	۳۰/۰	۱۴/۹	۳۳۱۹۲۳	۵۶۴۸۱/۲		۱۳۸۳
۸۴/۱	۱۱۷۶۲۸/۶	۱۰۲۸۲۰/۷	۴۲/۶	۱۰/۵	۳۳۰۸۸۴/۱	۲۲۲۳۴/۱		۱۳۸۴
۲۳/۷	۱۴۵۵۷۱	۱۳۷۲۴۶/۱	۷/۲۵	۱۰/۰	۴۱۵۹۶۷	۲۴۴۴۵۷/۵		۱۳۸۵
۱/۵	۱۴۷۷۱۶	۱۷۱۰۷۰/۴	۳/۱	۱۰/۰	۱۳۳۴۴۲	۲۶۸۹۰۲/۳		۱۳۸۶
۷/۲۲	۲۱۰۷۶۳	۶/۲۱۳۳۳	۳۲	۱۰/۰	۵۵۵۶۹۶	۶/۲۹۵۷۳		۱۳۸۷
۲/۲۶	۲۶۵۸۱۵	۲۷۵۸۴۱	۵	۱۰/۰	۵۸۲۷۶۴	۷/۲۳۵۳۲		۱۳۸۸ (پیش‌بینی لایحه بودجه)
۴۴	۳۸۲۸۷۳	-	۲۵	-	۷۲۹۱۴۰	-		۱۳۸۹ (پیش‌بینی لایحه بودجه)

منابع: لایحه و قوانین بودجه ستون‌های کشور - قانون برنامه سوم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

در سال ۱۳۸۸ به ۶/۸ درصد برسد، اما با توجه به شرایط موجود (به ویژه رشد بالای نقدینگی، کاهش رشد اقتصادی) نرخ تورم سال ۱۳۸۸ در حدود ۱۶ درصد و برای سال ۱۳۸۹ در حدود ۲۴ درصد پیش بینی می شود.

طی سال‌های اخیر ماندگاری سپرده‌ها همواره در حال کاهش بوده است، به طوری که ماندگاری سپرده‌های مدت‌دار از ۲۷ ماه در پایان سال ۱۳۸۴ به ۲۰ ماه در پایان سال ۱۳۸۶ کاهش یافت. طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ نسبت سپرده‌های کوتاه مدت به بلندمدت به ترتیب از ۸۹/۷ درصد به ۹۰/۹، ۸۴/۶ و ۸۳/۵ درصد در سال ۸۴ کاهش نشان می‌دهد، اما طی دوره ۱۳۸۸-۱۳۸۴ با کاهش دستوری نرخ سود سپرده‌ها این روند، که به نفع سپرده‌های بلندمدت بود، تغییر کرده و حجم سپرده‌های کوتاه مدت نسبت به سپرده‌های بلندمدت بیشتر شده است. این نسبت که طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ روند نزولی را در پیش گرفته بود طی سال‌های ۸۴ تا ۸۶ و به ترتیب از ۸۳/۵ درصد به ۹۹/۷ و ۱۸ درصد افزایش یافت و بیشتر از بلندمدت شد. افزایش‌های فوق بیانگر کاهش ۴۰ درصدی جذابیت سرمایه‌گذاری اشخاص در بخش سپرده‌های بلندمدت و به نفع سپرده‌های کوتاه مدت و دیداری است. این امر از کاهش ۴۰ درصدی اتکای قدرت وام‌دهی بانک‌ها به سپرده‌های بلندمدت بخش خصوصی طی سال‌های ۸۴ تا پایان سال ۱۳۸۷ حکایت می‌کند؛ عاملی که باعث شد بانک‌ها، به ویژه بانک‌های خصوصی، نرخ سود سپرده‌های کوتاه مدت را افزایش دهند تا بتوانند پاسخگوی این سلیقه سپرده‌گذاران باشند و منابع نقدینگی را جمع‌آوری کنند.

نکته قابل ذکر این است که کسی نمی‌تواند نرخ بهره (نرخ سود) را با دستور و تصمیم اداری تغییر دهد، چون این نرخ مربوط به کارکرد کل اقتصاد است. نرخ بهره (نرخ سود) را نمی‌توان به تنهایی کاهش داد، چون یگانه حاصل آن از بین رفتن تعادل‌هاست. مثلاً در بانک دولتی سود تسهیلات ۱۴ درصد است و در بازار آزاد ۲۴ درصد. وقتی بانک‌های دولتی نرخ سود را ۱۲ درصد کنند، نرخ سود در بازار آزاد به ۳۰ درصد می‌رسد. در واقع، میانگین وزنی نرخ سود در هر حال متناسب با شرایط اقتصاد تعیین می‌شود. همچنین کاهش اداری نرخ‌ها از بعد تقاضا باعث ایجاد زانست، معطلی صف و فساد اداری، و از بعد عرضه باعث برهم خوردن تعادل منابع و مصارف بانک‌ها می‌شود. حاصل تمامی این موارد تحمیل هزینه‌های سنگین بر دوش

### مقایسه عملکرد نقدینگی کشور با میزان پیش‌بینی شده آن در اولین و دومین سال اجرای برنامه چهارم نشان می‌دهد که رشد نقدینگی به طور قابل ملاحظه‌ای فراتر از میزان پیش‌بینی شده برنامه بوده است

قابل ملاحظه‌ای فراتر از میزان پیش‌بینی شده برنامه بوده است. به عبارت دیگر نقدینگی در سال ۱۳۸۴ از رشدی معادل ۳۴/۳ درصد برخوردار شد که حدود ۱۰/۳ درصد فراتر از هدف برنامه بود و در سال ۱۳۸۵ از رشدی معادل ۳۹/۴ درصد برخوردار شد. این رقم حدود ۱۷/۴ درصد فراتر از هدف برنامه بود و در سال ۱۳۸۶ از رشدی معادل ۲۷/۷ درصد برخوردار شد که حدود ۷/۷ درصد فراتر از هدف برنامه بود. در سال ۱۳۸۷ نیز از رشدی معادل ۱۵/۹ درصد برخوردار گردید. هرچند در چارچوب هدف‌های کمی برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۳۸۸ رشد نقدینگی به رقم ۱۶/۲ درصد برسد، اما با توجه به واقعیت‌های موجود، پیش‌بینی می‌شود نقدینگی در پایان سال ۱۳۸۸ از رشدی در حدود ۲۸ درصد و در سال ۱۳۸۹ از رشدی در حدود ۳۰ درصد برخوردار گردد. کاهش نرخ رشد نقدینگی در سال آینده مستلزم اجرای سیاست‌های پیش‌بینی شده در برنامه، شامل پرداخت بدهی دولت به نظام بانکی و عدم استقرار از بانک مرکزی به صورت آشکار یا پنهان (استفاده بیش از حد از حساب ذخیره ارزی و عدم امکان فروش ارز ذی‌ربط در بازار) است.

مقایسه عملکرد و پیش‌بینی نرخ تورم حاکی از آن است که نرخ تورم در دومین سال اجرای برنامه چهارم توسعه ۲/۱ درصد بیشتر از میزان پیش‌بینی شده در برنامه بوده است. همچنین در سال ۱۳۸۶ نرخ تورم به رقم ۱۸/۴ درصد رسید که ۹/۳ درصد بیشتر از میزان پیش‌بینی شده در برنامه بوده است. در سال ۱۳۸۷ نرخ تورم به رقم ۲۵/۴ درصد رسید که ۱۷/۴ درصد بیشتر از میزان پیش‌بینی شده در برنامه بود. اگرچه در چارچوب هدف‌ها کمی برنامه چهارم توسعه پیش‌بینی شده است که نرخ تورم

دارای داشته باشد، به ویژه که درآمد سالانه آن از بقیه درآمدهای مالیاتی، رونق اقتصادی، کسب و بهره‌وری عوامل تولید باشد گفته می‌شود که کشور دارای منابع پایدار است و قادر به پوشش هزینه‌های سالانه خود است. تجربه کشورهای در حال توسعه، به ویژه بودجه‌ریزی دو دهه اخیر ایران نشان می‌دهد که احتمال تحقق درآمدها حداکثر ۶۰ درصد است. اگر بخش منابع لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به دقت مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد شاهد بیش برآورد (overestimate) خوش‌بینانه بودن اقلام درآمدی خواهیم بود. برای مثال می‌توان به میزان تحقق درآمدهای مالیاتی در بخش بودجه ۱۳۸۹ اشاره کرد. در یک محاسبه ساده می‌توان گفت دولت بیش از ۳۰ درصد درآمدهای خود را نسبت به سال قبل افزایش داده است و امر نشان می‌دهد که تجربه عملکرد درآمدهای مالیاتی سال‌های گذشته دچار "بیش برآوردی" بوده است.

با توجه به نوسانات درآمدهای نفتی و وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفت

به نظر می‌رسد مدیریت چرخه‌های درآمد نفت همواره‌سازی تامین مالی پروژه‌های عمرانی و سایر مصارف از منبع یک‌بار مصرف پول نفت از عاقد مهم رسالت بودجه‌نویسی در یک کشور نفتی مانند ایران است. برپایی صندوق ذخیره ارزی (و یا صندوق توسعه ملی) یک راه حل است، ولی کافی نیست. از همین روست که یک مدیریت مالی آینده‌نگر و عقلایی باید نکته‌های زیر را به طور جدی پیگیری کند:

- حذف تاثیر نوسانات نفتی بر بودجه و مدیریت هزینه بودجه کشور به منظور مواجهه پدیده رشد بین اقتصادی
- تعبیه ساز و کاری که به طور خودکار درآمد نفت را وقتی از آستانه حدی معین بیشتر شود آن را به س اندازه تبدیل و برای سرمایه‌گذاری تجهیز کند.
- خرج کردن خودکار پس‌اندازهای انباشت شده، وقتی قیمت نفت افت می‌کند. هدف اصلی این روش، اعمال سیاست مالی پویا بر پایه عنایت خاص به تزریق بهنگام و به مقدار درآمد نفت و همچنین یاداری بلند مدت نقش آن در فرایند توسعه است.

#### ۴. بازار پول و سطح عمومی قیمت‌ها

مقایسه عملکرد نقدینگی کشور با میزان پیش‌بینی شده آن در اولین و دومین سال اجرای برنامه چهارم نشان می‌دهد که رشد نقدینگی به طور

سال دارای روند صعودی از ۷۲/۵ درصد به ۷۹/۵ درصد ۸۳/۶، ۸۵/۶، ۸۷/۲، ۹۴/۱ و ۹۵/۵ درصد بود است.

"نسبت تغییر در تسهیلات به تغییر در سپرده‌های شبکه بانکی" نیز طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ با ترتیب از ۶۴/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ تا ۱۰۸ درصد در سال ۱۳۸۷ رسید. به این ترتیب، تغییرات فوق حاکی از افزایش ۴۴ درصدی در این نسبت طی چهار سال قبل است. نسبت‌های فوق نشان می‌دهد که شبکه بانکی در سال ۱۳۸۶ و پس از آن در ارائه تسهیلات به صورت غیرمحتاطانه عمل کرده و تناسب میان منابع و مصارف بانکی را رعایت نکرد است. در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، نابسامانی ناشی از عدم توجه به مدیریت منابع و مصارف نقدینگی

در اغلب بانک‌های کشور به چشم می‌خورد اعمال فشارهای بیرونی بر شبکه بانکی در زمینه اعطای تسهیلات به بخش‌های مورد نظر دولت و نیز تعیین دستوری نرخ‌های سود بانکی، مهم‌ترین دلیل افزایش «نسبت تسهیلات بر سپرده‌ها» در بانک‌های دولتی است که بانک‌ها را ناگزیر به استفاده از منابع بانک مرکزی کرده است و «اضافه برداشت‌ها از بانک مرکزی» نیز افزایش یافته است. افزایش نسبت‌های مزبور از طریق افزایش در اضافه برداشت بانک‌ها قابل توضیح است. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال ۱۳۸۵ برابر ۵/۴۹ هزار میلیارد تومان و سهم اضافه برداشت بانک‌ها از آن معادل ۱۷/۵ درصد بود. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در پایان سال ۱۳۸۶ به ۱۳/۷ هزار میلیارد تومان رسید که ۵۵/۵ درصد آن به اضافه برداشت بانک‌ها مربوط می‌شد. به عبارت دیگر، از کل ۸/۲۱ هزار میلیارد تومان افزایش در بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، ۸۱ درصد به اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی مربوط است. بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ و به ترتیب سال از رقم ۲/۴ به ۲/۳ و ۲/۱ هزار میلیارد تومان کاهش نشان می‌دهد. لیکن در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا پایان سال ۱۳۸۷ با روندی فزاینده روبه رود و از ۳/۶ هزار میلیارد تومان به ۲۳/۹ هزار میلیارد تومان افزایش یافته و صعود ۵۶۳ درصد رشد را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، طی سال‌های اخیر همگام با کاهش نرخ سود سپرده‌ها، ترکیب سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار به نفع سپرده‌های دیداری و کوتاه مدت تغییر یافته است.

### کسی نمی‌تواند نرخ بهره (نرخ سود) را با دستور و تصمیم اداری تغییر دهد، چون این نرخ مربوط به کارکرد کل اقتصاد است



پول که به این نحو حادث می‌شود خود به خود نرخ‌ها را تنظیم می‌کند، نه تعیین. به این ترتیب اثری را می‌گذارد که اثر اجباری و بخشنامه‌ای نیست. بنابراین به جز این روش‌های علمی شناخته شده، سایر رفتارهای موجب اختشاش در اقتصاد می‌شوند.

"نسبت تسهیلات به سپرده‌ها" به عنوان یکی از شاخص‌های مدیریت منابع و مصارف بانک‌ها، با ۲۱/۶ واحد درصد افزایش از ۷۲/۵ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۹۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۶ رسید. این افزایش طی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷ و به ترتیب

جامعه است. در نتیجه، هیچ‌کس نمی‌تواند نرخ سود را از طریق دستور و مصوبه تغییر دهد. کاهش نرخ، تابعی از عوامل مختلف بهبود تکنولوژی، افزایش سرمایه‌گذاری، و نیز سیاست‌هایی است که به کاهش نرخ رجحان زمانی مردم منجر می‌شود و می‌تواند در دراز مدت کارگر افتند. افزون بر این، سیاست‌هایی که در محیط اقتصادی عدم اطمینان ایجاد می‌کند، خود باعث افزایش نرخ بهره حقیقی می‌شوند. حال اگر تصمیم‌های یک دولت یا مجلس عدم اطمینان بیشتری ایجاد کند چگونه از طریق بخشنامه می‌توان نرخ را کاهش داد.

بانک‌های مرکزی در کشورهای پیشرفته در اعمال سیاست‌های پولی حجم پول را طوری تنظیم می‌کنند که نماد پولی نرخ بهره بازار با نرخ بهره طبیعی که در بطن اقتصاد ایجاد می‌شود هماهنگ گردد. اگر نماد پولی نرخ بهره در بازار از نرخ بهره طبیعی بیشتر باشد و این امر دوام یابد اقتصاد دچار رکود می‌شود. اگر از آن پائین‌تر باشد اقتصاد با مشکل تورم روبه‌رو می‌شود. از طریق سیاست پولی نماد پولی نرخ بهره با نماد کارکرد حقیقی اقتصاد تنظیم و هماهنگ می‌شود.

پس اینکه بانک مرکزی بتواند با خط مشی‌های دل‌خواه نرخ بهره (نرخ سود) را تغییر دهد، امری غیرممکن است. تغییر نرخ بهره (نرخ سود) نوعی حرکت ثبات‌بخش است و با تنظیم نماد پولی بهره متناسب با نرخ بهره طبیعی می‌توان مانع رکود یا تورم شد، که این نکته مهم به‌خصوص در سال‌های اخیر در کشور نادیده گرفته شده است. مطلب دیگر این است که بانک‌های مرکزی در کشورهای صنعتی هیچ‌وقت چیزی را تعیین نمی‌کنند، بلکه از طریق سیاست پولی در اقتصاد ثبات ایجاد می‌کنند و کارکرد آن را تنظیم می‌کنند. ساز و کار عملی این تنظیم هم

چنین است که بانک‌های تجاری پس‌انداز مردم را می‌گیرند، اگر مردم در حد نیاز سیستم بانکی پولشان را سپرده‌گذاری نکنند نرخ سود را بالاتر می‌برند. این نیاز سیستم بانکی نیز از تقاضای سرمایه‌گذاران نشأت می‌گیرد. اگر بانک‌ها نتوانند منابع خود را وام بدهند و سرمایه‌گذاری کنند نرخ را پایین می‌آورند. بانک مرکزی بر اساس همان برداشت‌هایی که از کارکرد اقتصاد دارد به بانک‌های عادی وام‌هایی را با یک نرخ معین می‌دهد یا در بازار، اوراق قرضه را به یک قیمت می‌خرد و یا می‌فروشد. تغییر حجم

## بررسی منتخب شاخص‌های کلان اقتصادی (بازار پول و سطح قیمت‌ها و ارز)

نرخ ارز بازار آزاد (ریال/دلار)	نرخ تورم		نرخ رشد نقدینگی			
	عملکرد	هدف برنامه	عملکرد	هدف برنامه		
۸۷۴۷	۸۵۰۰	۱۵/۲	۱۳/۰	۳۰/۲	۱۳/۱	۱۳۸۳
۹۰۴۲	۹۰۹۵	۱۲/۱	۱۱/۵	۲۴/۳	۲۳/۰	۱۳۸۴
۲۶۹۲	۹۷۳۲	۱۳/۶	۱۰/۵	۳۹/۴	۲۲/۰	۱۳۸۵
۹۲۵۷	۱۰۴۱۳	۴/۸۱	۱۰/۵	۷/۲۷	۲۲/۰	۱۳۸۶
۹۶۷۷	۱۱۱۳۰	۲۵/۴	۸	۱۵/۹	۱۸	۱۳۸۷
۱۰۰۰۰	۱۱۶۸۰	۱۶	۶/۸	۲۸	۱۶/۲	۱۳۸۸ (پیش‌بینی)
۰۰۹۱۰	-	۲۴	-	۳۰	-	۱۳۸۹ (پیش‌بینی)

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - قانون برنامه سوم و چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران

- منضبط ساختن و محدود نمودن بانک‌های تجاری در استقراض (غیرمجاز) پرهزینه از منابع بانک مرکزی (overdraft)
- فراهم نمودن زمینه استقلال بانک مرکزی به منظور به‌کارگیری به موقع و صحیح ابزارهای پولی برای کنترل نقدینگی؛
- احیای واقعی شورای پول و اعتبار و تشکیل جلسات منظم، به‌منظور اصلاح و ارتقا و تنظیم سیاست پولی و اعتباری کشور؛
- برطرف کردن موانع و تنگناهای طرف عرضه (مانند ساختار انحصاری بازارها، قوانین و مقررات ناظر بر بازارهای کالا و خدمات، بازار کار و سرمایه).

در مجموع با توجه به رشد بسیار بالای حجم نقدینگی طی سال‌های اخیر، کند شدن نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نیز کاهش حجم حقیقی واردات به دلیل افزایش قابل توجه هزینه‌های واردات ناشی از مشکلات بین‌المللی، ادامه شرایط تورمی در سال آینده ممکن شاهد تکرار وضعیت سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ باشیم. تنها راه جلوگیری از این شرایط اعمال سخت‌گیری شدید در افزایش پایه پولی ناشی از فعالیت‌های بودجه‌ای است. ●

### مآخذ و منابع:

- مستندات جلد پنجم برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۸)
- قانون برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹)
- قانون برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)
- قوانین بودجه سال‌های ۱۳۸۴، ۱۳۸۳، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، لایحه بودجه ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹
- سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه ابلاغی مقام معظم رهبری (مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۱)
- پایگاه آمار و اطلاعات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

### نرخ بهره (نرخ سود) را نمی‌توان به تنهایی کاهش داد، چون یگانه حاصل آن از بین روفتن تعادل‌هاست

از مشکلات بخش پولی است که عدم کنترل آن تبعات منفی به دنبال خواهد داشت که مهمترین آنها افزایش تورم است. مهمترین راهکارها برای کنترل رشد این متغیر عبارتند از:

- اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب به منظور کنترل رشد نقدینگی (از جمله کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، آزادی واقعی سیاستگذار پولی برای اتخاذ سیاست‌های بهنگام و مناسب پولی) و هدایت صحیح نقدینگی به سمت فعالیت‌های تولیدی؛
- دقت نظر در برداشت از صندوق ذخیره ارزی؛
- تلاش برای کاهش بدهی دولت به سیستم بانکی بر اساس آیین‌نامه اجرایی تصویب شده؛
- پرداخت به موقع مابه‌التفاوت نرخ سود تسهیلات به بانک‌ها؛
- سر و سامان دادن و نظارت بانک مرکزی بر فعالیت مؤسسات مالی و اعتباری، مؤسسات قرض‌الحسنه و بانک‌های خصوصی؛

از مهمترین عوامل افزایش نقدینگی طی سه سال اول برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۶-۱۳۸۴) عدم انضباطی مالی (در قالب اصلاحیه‌ها و متمم‌های بودجه) است. در کنار این مورد باید به بی‌انضباطی بانک‌های تجاری نیز اشاره داشت. طبق گزارش‌های اخیر بانک مرکزی، بانک‌های تجاری دولتی از ابتدای سال ۱۳۸۶ با شتاب بی‌سابقه‌ای به استقراض (غیرمجاز) پرهزینه از منابع بانک مرکزی (Overdraft) روی آوردند، به طوری که مانده بدهی آنها به بانک مرکزی از ۱۱ هزار میلیارد ریال ابتدای سال ۱۳۸۶ تا مرز ۷۰ هزار میلیارد ریال تا نیمه دوم سال ۱۳۸۶ افزایش یافت که جلوی آن گرفته شد. البته این ارقام با نرخ ۳۴ درصد محاسبه می‌شود، یعنی بانک‌ها اضافه برداشت را انجام می‌دهند و جریمه ۳۴ درصدی آن را باید به بانک مرکزی بدهند که این موضوع نیز یکی از عوامل تورم‌زا می‌تواند باشد. به این دلیل، بحث مدیریت نقدینگی و تنظیم منابع و مصارف برای بانک‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است. استفاده از منابع بانک مرکزی هم به عنوان آخرین مرجع برای حل این مشکل بانک‌ها در نظر گرفته شده است که پس از استفاده از سپرده‌ها، منابع، اعتبارات، اعتبارات بین بانکی و غیره برای حل مشکل خود به بانک مرکزی مراجعه کنند و اضافه برداشت (Overdraft) داشته باشند تا آن اصل اصیل ایفای تعهدات خود را انجام دهند و در مدت کوتاهی هم باید بدهی خود را به بانک مرکزی پرداخت کنند. به همین دلیل است که نرخ سود این منابع بانک‌های مرکزی در همه دنیا و از جمله ایران، نرخ بسیار گرانی است. شرایط بانک‌های تجاری دولتی به شکلی بود که برداشت از منابع بانک مرکزی به یک رویه و به صورت سیستماتیک درآمد بود. کاری که رئیس وقت بانک مرکزی (آقای مظاهری) انجام دادند این بود که این روش به عنوان یک روش جاری و پذیرفته شده کنار گذاشته و جلوی آن گرفته شد که کار درستی هم بود. چون این مسیر، مسیر درستی نبود، وقتی اعتبارات بانک مرکزی به جامعه تزریق می‌شود، منتقل از این که برای پرداخت کسری بودجه و وام به خزانه دولت باشد یا پرداخت به بانک‌ها، این پول پر قدرت وارد اقتصاد می‌شود و با یک ضریب فزاینده (که در سال‌های اخیر در کشور بین ۲/۵ تا ۴/۶ در نوسان است)، تبدیل به نقدینگی می‌شود، امری که به یقین به زیان اقتصاد است و کسی هم آن را تأیید نمی‌کند.

آنچه مسلم است رشد بی‌رویه نقدینگی یکی